

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: 86227 Article Number: YQ275450 ISSN-P: 2717-1132

بررسی عقلانیت کیفری مجرمین بر اساس نوع جرم و بزهکاران

در نظام حقوقی ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۲/۱۲)

طیبه رضایی شورکی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

عقلانیت کیفری یا ذهنیت محاسبه گر مجرمانه یکی از عواملی است که بر اساس نوع جرایم ارتكابی و بر اساس شخصیت متفاوت بزهکاران، کاملاً موضوعی متفاوت و متغیر میباشد. جرمی بنام در قرن هجدهم میلادی در کشور انگلستان به خاطر متاثر بودن از پارادایم اقتصادی مکتب کلاسیک در جهان، نظریه حقوقی خویش را مبتنی بر اصول اقتصادی کرده و به مبحث ذهن محاسبه گر مجرمانه پرداخت. به طور کلی بیان میدارد که هر مجرم برای ارتكاب جرم، عواید ناشی از جرم را به همراه مجازاتها و دردهای در آینده مورد محاسبه عقلانی قرار داده و در نهایت تصمیم گیری میکند که جرم مورد نظر را انجام دهد یا از آن منصرف گردد. بستری که ذهنیت مجرمانه در آن به محاسبه درد و لذت ناشی از جرم میپردازد، قوانین کیفری کشور میباشد. بنا بر این نظریه، قوانین و مجازاتهای قانونی، نیمه دیگر این محاسبه گری و عقلانیت کیفری بوده و در به وجود آمدن و همچنین ممانعت از جرایم نقش به سزایی دارند. تدوین قوانین کیفری مناسب میتواند زمینه ارتكاب بسیاری از جرایم را از بین برده و یا فراهم نماید. قوانین و نحوه اجرای قوانین و مقررات به مثابه زمینه و بستری میباشد که مجرمین در محاسبات ذهنی و اقتصادی خود همواره بدانها توجه کرده و در تصمیم گیری و انتخاب عقلانی خویش، از آنها بهره میجویند و اعمال خویش را بر اساس محاسبات ذهنی که به صورت اقتصادی و حقوقی بوده است، بروز داده و دست به اقدامات میزنند.

واژگان کلیدی: جرم، بزهکاران، جرمی بنام، عقلانیت کیفری، قوانین کیفری

مقدمه

با توجه به بررسی بسیاری از جرایمی در حوزه حقوق ایران، در مواردی میتوان به نقش مکمل بودن قوانین کیفری در به وجود آوردن زمینه جرایم و یا ممانعت از به وجود آوردن جرایم پی برد. قوانین کیفری بستر و زمینه اولیه برای انتخاب عقلانی مجرم برای تصمیم گیری در مورد جرم میباشد. قوانین کیفری به همراه اجرای آنها و پارامترهای مرتبط با اجرای قانون در کشور ایران، یکی از مهمترین و موثرترین عناصری است که در ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم توسط مجرمین بالقوه نقش دارند. میزان مجازات هر جرم در قانون کیفری و مجازات ایران، به همراه اجرایی شدن قوانین جزایی و کیفری و چگونگی این اجرا از لحاظ، سرعت در رسیدگی، سرعت و حتمیت و قطعیت در رسیدن به مجازات، شدت مجازات از عمده ترین عواملی بوده اند که در ذهن مجرم بالقوه، اثرگذاری داشته و در فرایند تصمیم گیری، وی را همراهی مینمایند. به عنوان مثال در مورد پرونده قتل رومینا اشرفی^۱ وقتی از پدر وی پرسیده میشود که چرا بهمن خاوری^۲ را نکشتی و دختر خودت را نکشتی؟ در پاسخ میگوید که اگر بهمن خاوری را میکشتم قصاص میشدم، پس دختر خود را کشتم تا قصاص نشوم. در همین جمله ساده میتوانیم نظری جرمی بنتام در مورد ذهنیت محاسبه گر مجرمانه را به وضوح ببینیم. همه مجرمین دارای عقلانیت کیفری میباشد. اکثر آنان برای ارتکاب جرم، دست به محاسبه بر اساس قوانین کشور میپردازند. به طور واضح میتوان به اثر چند ماده قانونی در مورد ارتکاب به جرم توسط پدر رومینا اشرفی، پی برد. ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی^۳ مصوب ۱۳۹۲، ماده قانونی است که زمینه ارتکاب جرم توسط پدر رومینا اشرفی را به وجود آورده است. مواد دیگر در مورد قتل مثل ماده ۲۹۰ ق.م.ا ۱۳۹۲ و سایر مواد مشابه از جمله موادی از قانونی میباشد که مانع از ارتکاب جرم پدر رومینا اشرفی در مورد بهمن خاوری بوده است. همانطور که مشاهده میگردد، گویی یک حقوق دان با محاسبه اقتصادی جرم، دست به ارتکاب قتل دختر زده است و از ارتکاب

^۱ رومینا اشرفی دختر بچه ۱۳ ساله تالشی بود که توسط پدر در حالی که خواب بود به قتل رسید. پدر وی با داس سر فرزند خود را جدا میکند و در نهایت خشونت وی را به قتل میرساند.

^۲ بهمن خاوری جوان ۲۸ ساله تالشی بود که با رومینا اشرفی ارتباط نامشروع داشته است.

^۳ ماده ۳۰۱ ق.م.ا ۱۳۹۲: قصاص در صورتی ثابت میشود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد و مجنی علیه، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد.

قتل پسر متجاوز سر باز زده است. به عبارتی مجرمین در فرآیند تصمیم گیری مجرمانه تبدیل به حقوق دانان و اقتصاد دانانی میگردند و این عقلانیت کیفری آنان در انتخاب و تصمیم گیری آنان نقش مهم و موثری دارد. اکنون میخواهیم این ذهنیت محاسبه گر و عقلانیت کیفری را با توجه به قوانین جزای کشور ایران مورد بررسی قرار داده و به این مهم پی بریم که علت بسیاری از جرایمی که در کشور ایران به وقوع میپیوندند، ریشه در خلاءهای قانونی داشته است.

بخش اول: اهمیت و ضرورت پژوهش

از آنجایی که در جامعه کشور ایران، میزان بزهکاری و جرایم در هر شکل (چه جرایم خشن و چه جرایم یقه سفید) رقمی بالا بوده است و با توجه به اینکه اکثر مجرمینی که مرتکب جرایم گوناگون میگردند، ذهنیت محاسبه گر داشته و با اهرم عقلانیت کیفری، تصمیمی گیری کرده و بعد جرم را مرتکب میگردند، لازم است نگاهی انتقادی به حوزه قوانین و ابعاد مرتبط با قوانین جزایی کشور داشت تا بتوان با اصلاح قوانین جزایی، در ارتکاب بسیاری از جرایم ممانعت به عمل آورد. با توجه به اینکه در مورد نظریه آقای بنتام، عموماً پژوهشی که به زمینه های انتخاب عقلانی مجرمین پرداخته باشد، تاکنون وجود نداشته است، لذا این پژوهش دارای اهمیت بوده و میتواند نگاهی جدید را عرصه قانون گذاری و اجرای قوانین داشته باشد.

بند اول: هدف و سوالات تحقیق

هدف اصلی این تحقیق عبارتست از شناسایی عواملی که در انتخاب عقلانی و ذهنیت محاسبه گر مجرم اثر داشته و وی را در ارتکاب جرم به صورت عامل محرک ارتکاب جرم و یا مانع ارتکاب جرم، همراهی مینماید. سوال اصلی این است که نوع جرم و شخصیت بزهکاران چه نقشی در شکل گیری ذهنیت محاسبه گر مجرمانه دارد؟

بند دوم: فرضیه تحقیق

به نظر میرسد نوع جرم ارتكابی و شخصیت بزهکاران در شکل گیری ذهنیت حسابگر مجرمانه نقشی مهم و موثر دارد.

بخش سوم: مبانی نظری

بند اول: مفهوم شناسی

مکتب کلاسیک : یکی از اولین مکاتب حقوقی جزایی کیفری بوده است که در ایجاد تحولات کیفری نقش بسزایی داشته است. از اندیشمندان و پایه گذاران این مکتب حقوقی میتوان به منتسکیو، ژان ژاک روسو، سزار بکاریا،^۲ جرمی بنتام^۳ اشاره نمود. مطالعه دقیق تاریخ حقوق جزا نشان می دهد که حقوق جزا هم مانند سایر بخش های علم حقوق راه توسعه و تکامل خود را تحت تاثیر تحولات اجتماعی و توسعه های علمی پیموده است. ولی در این میان سهم و تاثیر عقاید و افکار فلسفی اواخر قرن ۱۸ میلادی از هر عامل دیگری بیشتر بوده است. به این دلیل بعضی از حقوق دانان کیفری مبدا پیدایش مکتب کلاسیک حقوق جزا را به زمان انتشار کتاب روح قوانین منتسکیو به سال ۱۷۴۸ میلادی می دانند و او در این کتاب مجازاتهای آن عهد را که از انتقام اجتماعی الهام می گیرد به شدت مورد انتقاد قرار داده است و در مورد ارزش نسبی قوانین جزایی سخن گفته است. به طوری که قوانین و مقررات جزایی هر کشور بایستی با نهادهای اجتماعی و تحول موسسات سیاسی و اجتماعی همان ملت متناسب و هماهنگ باشد و با مجازات های شدید و رسوا کننده مخالفت می کند و معتقد به مجازاتهای ملایم و اجرای حتمی و قطعی آنهاست.^۴ مصطفی زاده، تاریخ تحولات حقوق کیفری، (ص ۲۳) اندیشمند بعدی در مکتب کلاسیک ژان ژاک روسو بود. در ۲۸ ژوئن ۱۷۱۲ در ژنو به دنیا آمد. کتابهای او هلوئیز جدید، امیل و قرار داد اجتماعی است. به اعتقاد روسو، انسان ذاتا آزاد از قید و بندهای اجتماعی است زیرا آزاد به دنیا آمده اما چون بناچار در اجتماع زندگی می کند اختیارات خود را به جامعه طبق پیمانی تفویض می کند که از آن جمله حق مجازات است و لذا اگر جرمی واقع شود جامعه است که مجازات می کند و نه فرد، لذا مجازاتها باید طوری باشد که فایده اجتماعی داشته باشد، البته روسو مجازاتهای شدید چون اعدام را نفی نمی کند اما در مجازات به خشونت

^۱ شارل دو منتسکیو ۱۶۸۹-۱۷۵۵ فرانسه.

^۲ ژان ژاک روسو Jean-Jacques Rousseau ۱۷۱۲-۱۷۷۸ ژنو.

^۳ چزاره بکاریا ایتالیایی Cesare Beccaria ؛ ۱۷۳۸ - ۲۰ نوامبر ۱۷۹۴

^۴ جرمی بنتام Jeremy Bentham ۱۷۴۸-۱۸۳۲ فیلسوف، حقوقدان و اصلاح گر اجتماعی انگلیسی بود. او به

عنوان بنیانگذار سودمندگرایی مدرن شناخته می شود

^۵ مصطفی زاده، فهیم، ۱۳۹۵، تاریخ تحولات حقوق کیفری، ص ۲۳

زیاد اعتقاد ندارد^۱. (ملک محمدی، نظریه های جرم شناسی، ص ۴۹) اندیشمند دیگر در مکتب کلاسیک سزار بکاریا میباید. بکاریا در ۱۵ مارس ۱۷۳۸ میلادی در میلان ایتالیا به دنیا آمده و بعد از بازدید از زندانهای میلان به امید نجات بی گناهی به مطالعه و تحقیق در نظام قانون گذاری کیفری پرداخت و پس از ده سال در سال ۱۷۶۴ کتاب کوچکی به نام جرائم و مجازاتها را نوشت که در سال ۱۷۶۶ در فرانسه منتشر شد و ظرف ۶ ماه هفت بار به چاپ رسید. به طور کلی اصول فکر بکاریا عبارتند از: الف - ضروری بودن مجازاتها: جامعه به قانون گذار طبق قرار داد اجتماعی قدرت می دهد. ولی این قدرت در هنگام تصویب قوانین باید به نفع جامعه توجه داشته باشد. امتیاز این کار جلوگیری از تکرار جرم مجرمان در آینده می باشد. او کیفری را درست می داند که بتواند آرامش اجتماع را تضمین کند و کیفری را که از حد لازم برای سلامت اجتماع بیرون رود نادرست است. ب - یقینی بودن و قاطعیت مجازات: به طوری که می نویسد این شدت کیفر نیست که از جرم پیشگیری می کند بلکه قطعی بودن یا حتمی بودن مجازات می باشد. و برای اینکه مجازات تاثیر خوبی داشته باشد کافی است که رنج حاصل از آن بیش از سودی باشد که از جرم عاید می شود پ - فایده اجتماعی مجازات: با توجه به اینکه نظم اجتماعی با ارتکاب جرم مختل شده است باید کیفری برای آن پیشبینی کرد، اما این مجازات باید اولاً فردی و ثانیاً حتمی و یقینی باشد تا فایده ای از آن عاید اجتماع شود. نتایج افکار بکاریا نیز بدین شرح میباید: وی قانون گذار را به حذف مجازاتهای شدید فرا می خواند و بخصوص کیفر اعدام را در مورد جرائم عمومی مورد حمله قرار می دهد ولی در جرائم سیاسی آن را می پذیرد. بنابراین به نظر بکاریا مجازات اعدام حق نیست بلکه ستیز ملتی است علیه بزهکار به دلیل اینکه ملت نابودی او را ضروری می داند و چون به جلوگیری از ارتکاب جرم اهمیت می دهد اصلاح قوانین جزایی را پیشنهاد می کند. بعلاوه قبول حق عفو، الغای شکنجه، محدود کردن قدرت قضاوت را لازم می داند و در ضمن مجازاتها باید صریح و روشن بوده و به اطلاع عموم برسد و در واقع او از اولین کسانی بود که به ضرورت سودمندی مجازاتها نظر داشت. در نهایت پیشنهادات بکاریا نیز عبارتند از: الف- اصلاح قوانین: اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها و در نتیجه محدود شدن اختیارات گسترده و خودکامه قضاوت و نیز برقرار

^۱ ملک محمدی، حمید رضا، نظریه های جرم شناسی فرانک پی ویلیامز، ۱۳۹۸، ص ۴۹

شدن مجازات‌های ثابت. ب- شکل رسیدگی : وارد آوردن اتهام به طور مخفی یا شکنجه ممنوع است و جعل مدرک از ناحیه دولت و استفاده غیر اخلاقی رای اثبات بزهکاری باید متوقف شود. ج- در مورد محاکمه و رفتار با متهم : محاکمات باید با سرعت انجام شود و رفتار با مجرمان باید توأم با عطف و مهربانی باشد. تشریفات دادرسی باید به طریق اتهامی و علنی و تدافعی باشد. د- در مورد اجرای حکم و اصلاح مجرم : اگر در اعمال مجازات‌ها بیشتر از زندان استفاده شود برای جامعه و نیز جهت اصلاح مجرم مفید است پس باید برای اصلاح وضع زندانیها کوشید. در ضمن لازم به ذکر است که بکاریا از اشاعه دهندگان اندیشه جدایی حقوق کیفری از دین و حتی از اخلاق فردی است! (ملک محمدی، نظریه های جرم شناسی، ص ۵۱)

به طور کلی مکتب کلاسیک، اولین مکتب در حوزه حقوق کیفری بوده است که تحت تاثیر بسیار از مکتب اقتصادی هم دوره خویش بوده است. تا جایی که اصولی حقوقی برگرفته از این مکتب اقتصادی نیز همگی مبتنی بر اصول اقتصادی چون ؛ آزادی اقتصادی، آزادی گرای، اصالت فرد، اصالت مطلوبیت و فایده گرایی مبتنی بوده است. نگاه اقتصادی این مکتب حقوقی در قانون گذاری و ایجاد مجازات‌های متناسب و دربرگیرنده منفعت اجتماعی موثر بوده و همچنین اجرای قانون را متاثر گردانیده است.

جرمی بنتام : فیلسوف انگلیسی متولد ۱۷۴۸ و از پایه گذاران مکتب اصالت سودمندی است. بنتام هم مانند روسو معتقد به نفع اجتماعی مجازات می باشد و در کتاب خود به نام رساله ای در مورد مجازات‌ها و پاداش ها که در سال ۱۸۱۸ انتشار یافت و در تدوین قوانین کیفری پس از انقلاب فرانسه مفید بود، به مفید بودن کیفر به شرط ضرورت اشاره می کند. به عقیده او افراد را فایده جویی هدایت می کند و انجام جرم نیز به خاطر سود احتمالی است که مجرم آرزومند آن است و اما بزهکار با توجه به مجازات جرمی که قصد انجام آن را دارد به بررسی نفع و ضرر می پردازد و اگر کیفر به نحوی شدید ولی با اندیشه کامل بر ضرورت آن انتخاب شده باشد از انجام جرم خودداری می کند. او در حالی که سخت به اجرای مجازات پایبند است، اضافه می کند که هیچ مجازاتی نباید نسنجیده اجرا شود و برای اینکه همگان از آن پند بگیرند، باید از نظر شدت و حتمیت و سایر جهات به درجه ای

^۱ ملک محمدی، حمید رضا، نظریه های جرم شناسی فرانک پی ویلیامز، ۱۳۹۸، ص ۵۱

باشد که سودمندی و ضرورت آن را تضمین کند و در واقع پیشگیری از ارتکاب جرم کند. بنام برای کیفر دو ارزش قائل می شود: ارزش ظاهری و ارزش واقعی، ارزش ظاهری رنج احتمالی است که حسب توصیف کیفر یا دیدن اجرای آن در تصور عموم انسانها نقش می بندد ولی ارزش واقعی رنج کامل کیفر است، تمام رنجی است که در اجرای کیفر احساس می شود. تحت تاثیر مجموعه عقاید و افکار این دانشمندان، در اواخر قرن ۱۸ میلادی در فرانسه نهضت اصلاح طلبی در قوانین جزایی شروع شد. زندان های قدیم پاریس منهدم شدند، مردم خواستار تجدید نظر و اصلاح قوانین جزایی و حذف مجازاتهای شدید آن عهد شدند. همچنین در قانون جزایی انقلابی سال ۱۷۹۱ فرانسه نیز اصول مهمی چون برقراری اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها، اصل تساوی مجازاتها و برقراری سیستم مجازاتهای ثابت برای جلوگیری از خودکامگی قضاوت، حذف عفو پادشاه، الغای مجازاتهای شدید بدنی و سالب آزادی، محدودیت مجازات اعدام و ملایمت در مجازاتها، برقراری سیستم دادرسی به روش اتهامی در محاکمات و امکان حضور هیات منصفه در جریان دادرسی و پیش بینی و تصویب شد. ولی این اصلاحات علی رغم امیدها و انتظارات تدوین کنندگان آن در عمل نتایج مطلوبی به بار نیاورد.^۱ (مصطفی زاده، تاریخ تحولات حقوق کیفری، ص ۳۳)

ذهنیت محاسبه گر مجرمانه: نظریه گزینش حسابگرانه که ریشه در اصول علم اقتصاد دارد، بر این باور است که افراد به سان تاجران اقتصادی، در رفتارهای خود در بسترهای مختلف به دنبال کسب حداکثر سود هستند. تبلور این نظریه در قلمرو حقوق کیفری موجب شکل گیری این ایده می شود که تصمیمات جنایی محصول نهایی تفکر بزهکاران بالقوه است. از این رو بزهکاران با تحلیل های هزینه- فایده و کسب حداکثر سود در قبال کمترین هزینه ها، به سوی پدیده های مجرمانه روی می آورند. در این رویکرد، بزهکاران به مثابه کنش گران اقتصادی، با سامان دهی تصمیمات خویش، در پی آنند تا با ارتکاب جرم به بیشترین لذت دست یابند.^۲ (الهام، دانش ناری، ۱۳۹۳)

^۱ مصطفی زاده، فهیم، ۱۳۹۵، تاریخ تحولات حقوق کیفری، ص ۳۳

^۲ الهام، غلامحسین، دانش ناری، حمید رضا، ۱۳۹۳، تاملی بر نظریه گزینش حسابگرانه بنیانها و قلمرو، دوفصلنامه علمی تخصصی تحول در علوم انسانی

نظریهٔ گزینش حسابگرانه یکی از نظریاتی است که در پی تبیین و تحلیل کنش‌های رفتاری در بسترهای مختلف علوم انسانی است. در این بستر، انسان‌ها، کنش‌گرانی هستند که بر اساس اصالت سود و کسب حداکثر فایده، رفتارهای خویش را تنظیم می‌نمایند. راهبرد اصلی این نظریه، تکیه بر ساز و کارهایی است که حداکثر منافع را در قبال کمترین هزینه برای انسان‌ها به ارمغان آورد. این نظریه که ریشه در افکار اقتصاد دانان کلاسیک دارد، انسان‌ها را به مثابه کنش‌گران اقتصادی‌آدر نظر می‌گیرد. در این مفهوم، انسان در پی انجام رفتاری است که منافع بیشتری را برای وی به همراه داشته باشد. بر اساس اصول کلی این نظریه، تمامی انسان‌ها موجوداتی هدفمند هستند و سلايق خود را بر اساس درجهٔ اهمیت، رتبه‌بندی می‌نمایند. از طرفی بهترین گزینش، زمانی حاصل می‌شود که راهبرد اتخاذی منجر به حداکثر سود شود، اصل حداکثر سود و حداقل هزینه متأثر از علم اقتصاد در دیگر رشته‌های علوم انسانی از جمله علوم سیاسی، علوم اجتماعی، جغرافیا، حقوق و... نیز مطرح می‌گردد. ژرمی بنتام فیلسوف انگلیسی بر اساس نظریهٔ اصالت لذت، نظریهٔ گزینش حسابگرانه را در قلمرو حقوق کیفری مورد بررسی قرار داده است. بر اساس نظریهٔ بنتام که ریشه در جرم‌شناسی کلاسیک دارد، بزهکاران با توجه به رویکردهای هزینه-فایده^۱ روی به سوی پدیده‌های مجرمانه می‌آورند. بر این اساس چنانچه بزهکاران، منافع حاصل از ارتکاب جرم را بیشتر از هزینه‌های آن برآورد نمایند، به سوی ارتکاب جرم سوق پیدا می‌کنند و در نقطهٔ مقابل چنانچه هزینه‌های حاصل از ارتکاب جرم بیشتر از منافع آن باشد، از ارتکاب جرم انصراف می‌دهند. بنابراین بر اساس این نظریه، بزهکاران به‌مثابه کنش‌گران اقتصادی در پی به دست آوردن حداکثر سود در قبال کم‌ترین هزینه می‌باشند. بر اساس افکار بنتام و پس‌از آن، گاری بیکر اقتصاددان قرن هفدهم، بزهکار فردی است هدفمند و ورود وی به دنیای مجرمیت جهت کسب حداکثر سود است. پیش‌فرض بنیادین در این

^۱Rational choice theory

^۲Economical actors.

^۳Germey Bentham.

^۴Classic criminology.

Cost-benefit approaches.

Gary bicker.

نظریه آن است که بزهکار با توجه به منافع و هزینه‌های حاصل از ارتکاب جرم، به‌سوی پدیده‌های مجرمانه حرکت می‌کند. (الهام، دانش ناری، ۱۳۹۳)

عقلانیت کیفری: نظریه انتخاب عقلانی در زمینه علوم جنایی که در این مقاله از آن به «عقلانیت جنایی» تعبیر می‌کنیم، به مثابه یک فراروایت، مسئله محاسبه‌گری را به تمامی بزهکاران تعمیم داده؛ به شکلی که همواره راهکار پیشگیری از وقوع جرم و پاسخ‌دهی مناسب به آن را افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم می‌داند. امروزه به علت بروز ناکارایی در رویکردهای مبتنی بر بازدارندگی، تردیدهای زیادی نسبت به پیش‌فرض بنیادین آن، یعنی نظریه انتخاب عقلانی نیز وارد شده است. با وجود این تردیدها به نظر می‌رسد که همچنان هسته مرکزی نظریه انتخاب عقلانی با منطق قانون‌گذاری کیفری در بسیاری از نظام‌های حقوقی گره خورده و این نظریه است که سیاست‌های کنترل جرم را هدایت می‌کند. (الله وردی، محرابی، ۱۳۹۸)

بند دوم: پیشینه تحقیق

در زمینه تحقیقات داخلی میتوان به تحقیقات بسیاری که در این زمینه وجود دارد، اشاره نمود. الله وردی و محرابی در تحقیق خود در مورد انتخاب عقلانی و ذهنیت محاسبه‌گر مجرمانه می‌پردازند. به طور کلی آنان بیان میدارند که: نظریه انتخاب عقلانی در زمینه علوم جنایی که در این مقاله از آن به «عقلانیت جنایی» تعبیر می‌کنیم، به مثابه یک فراروایت، مسئله محاسبه‌گری را به تمامی بزهکاران تعمیم داده؛ به شکلی که همواره راهکار پیشگیری از وقوع جرم و پاسخ‌دهی مناسب به آن را افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم می‌داند. امروزه به علت بروز ناکارایی در رویکردهای مبتنی بر بازدارندگی، تردیدهای زیادی نسبت به پیش‌فرض بنیادین آن، یعنی نظریه انتخاب عقلانی نیز وارد شده است. با وجود این تردیدها به نظر می‌رسد که همچنان هسته مرکزی نظریه انتخاب عقلانی با منطق قانون‌گذاری کیفری در بسیاری از نظام‌های حقوقی گره خورده و این نظریه است که سیاست‌های کنترل جرم را هدایت می‌کند. ما در این نوشتار با رویکردی انتقادی، به دنبال

^۱ الهام، غلامحسین، دانش ناری، حمید رضا، ۱۳۹۳، تاملی بر نظریه‌های گزینش حسابگرانه بنیانها و قلمرو، دوفصلنامه

علمی تخصصی تحول در علوم انسانی

^۲ الله وردی، فرهاد، محرابی، علی، ۱۳۹۸، عقلانیت جنایی؛ محدودیت‌ها و چالش‌ها (با تأکید بر جرائم خشونت‌بار)

توضیح محدودیت‌های نظریه انتخاب عقلانی در حوزه علوم جنایی بوده و برای انضمامی کردن بیشتر بحث بر جرائم خشونت‌بار تمرکز می‌کنیم. حوزه جرائم خشونت‌بار با وجود آنکه خود آماج اصلی سیاست و برنامه‌های برآمده از نظریه انتخاب عقلانی است، به خوبی می‌تواند محدودیت‌های این نظریه را بازنمایی کند. نتیجه نقد دقیق و همه‌جانبه «تلفی رایج» از نظریه انتخاب عقلانی، بازخوانی «سیاست‌های رایج کنترل جرم» است. در پرتو این نقد و درک محدودیت‌هاست که خوانش‌های جدید از این نظریه، امکان طرح می‌یابند. (الله وردی، محرابی، ۱۳۹۸)

الهام و دانش ناری در تحقیق خود به ذهنیت محاسبه‌گر مجرمانه می‌پردازند. به طور کلی آنان بیان میدارند که: رفتارهای خود در بسترهای مختلف به دنبال کسب حداکثر سود هستند. تبلور این نظریه در قلمرو حقوق کیفری موجب شکل‌گیری این ایده می‌شود که تصمیمات جنایی محصول نهایی تفکر بزهکاران بالقوه است. از این‌رو بزهکاران با تحلیل‌های هزینه-فایده و کسب حداکثر سود در قبال کم‌ترین هزینه‌ها، به‌سوی پدیده‌های مجرمانه روی می‌آورند. در این رویکرد، بزهکاران به‌مثابه کنش‌گران اقتصادی، با سامان‌دهی تصمیمات خویش، در پی آنند تا با ارتکاب جرم به بیشترین لذت دست یابند. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. به‌منظور تبیین دقیق نظریهٔ گزینش حسابگرانه، با استفاده از روش نمونهٔ پژوهی، با تعدادی از بزهکاران بافت سنتی شهر مشهد، مصاحبه‌های عمیقی به عمل آمد. انجام مصاحبه با بزهکاران و تحلیل یافته‌های حاصل از مطالعات میدانی، جهت بررسی تطابق این نظریه با واقعیات پدیده‌های بزهکارانه صورت گرفته است. یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد، امعان نظر به برخی جرائم و بزهکاران از قلمرو عام نظریهٔ گزینش حسابگرانه می‌کاهد. از این‌رو جرائم جنسی، جرائم خشونت‌بار و جرائم مبتنی بر نفرت از جمله جرائمی است که این نظریه در مورد آن‌ها صادق نیست. بر اساس نوع بزهکاران نیز، بزهکاران یقه‌آبی، مجانین و اطفال از شمول این نظریه خارج می‌شوند. از طرفی تبیین نظریهٔ گزینش حسابگرانه در پرتو گفتمان فقه امامیه با تکیه بر پیامدهای دنیوی و اخروی ارتکاب جرم، جلوه‌ای جامع‌تر از این‌گو را ارائه می‌دهد. (الله وردی، ناری، ۱۳۹۳)

صادقی و پروین نیز در تحقیق خود به مطالعه ذهنیت مجرمانه محاسبه‌گر و رابطه اش با گفتمان و قدرت می‌پردازند. به طور کلی آنان بیان میدارند که: در یک تقسیم‌بندی تاریخی

می توان تئوری های جرم شناسی را به کلاسیک، روشنگری، مدرن و انتقادی تقسیم بندی کرد. بعد از مطرح شدن پارادایم های فکری کلاسیک و اثباتی، این پارادایم ها در دهه ۱۹۵۰ به وسیله پارادایم انتقادی با نقد اساسی مواجهه شد. از مهم ترین نظریه هایی که در این پارادایم مطرح شد می توان به نظریه های انگ زنی (برچسب زنی)، جرم شناسی تضادی (مارکسیستی)، جرم شناسی فیمینیستی، جرم شناسی فرهنگی، سازه گرایی و جرم شناسی پست مدرن اشاره کرد. در این تئوری ها، تبیین جرم و شناخت عوامل موثر بر آن، بر خلاف آن چیزی که در پارادایم های پیشین به آن توجه شد، فارغ از ارزشها و منافع صورت نمی پذیرد. از منظر پارادایم انتقادی جرم تعریف شدنی است و عنصر قدرت آن را علیه افراد حاشیه ای تر و ضعیف تر بکار می گیرد. به علاوه جرم لزوما در عالم واقعیت وجود ندارد بلکه این افراد صاحب نفوذ و قدرتمند هستند که آن را بر می سازند. مقاله حاضر تلاش دارد تا با رویکرد تحلیلی- تاریخی به بررسی نظریه های جدید جرم شناسی و جامعه شناسی انحرافات با تاکید بر مفاهیم گفتمان، ذهنیت و قدرت بپردازد. تاکید اصلی مقاله بر رویکردهای جدید جرم است که عمدتا از دهه ۱۹۵۰ میلادی مطرح شدند؛ ویژگی اصلی این رویکردها ضمن انتقادی بودن توجه به مفاهیم گفتمان، ذهنیت و قدرت است!

حبیب زاده و صادقی در پژوهش خویش در مورد ذهنیت مجرمانه محاسبه گر و همسویی با قوانین کیفری میپردازند و به طور کلی بیان میدارند که : در دوره های مختلف تاریخ تحولات کیفری در ایران همواره نهادهایی برای کیفرزدایی مورد شناسایی قانون گذار قرار گرفته است. لکن با توجه به اقدامات زمینه ساز در سطح سیاست گذاری و برنامه ای و مدیریتی در نظام عدالت کیفری گذشته، دوره جدید قانون گذاری (از ۱۳۹۲ به بعد) را دوره گسترش سیاست کیفرزدایی می توان نامید. دوره ای که با حبس زدایی و اعدام-زدایی، نویدبخش عزم قانون گذار در اجرای این سیاست است. با وجود این، به نظر می رسد اگرچه در سطح روبنا، چهره قانون گذار ارفاق آمیز و مصلحت اندیشانه است، ولی از نظر عمق سیاست گذاری، در قوانین عام و خاص، نشانه هایی از ناهمسویی با سیاست کیفرزدایی و یا عدم اطمینان به مقررات نوین هم چنان پابرجاست و یا حتی می توان ادعا کرد که در دوره جدید افزایش یافته است. در این مقاله، با رویکردی توصیفی تحلیلی، چهار عامل از این

^۱ صادقی فسایی، سهیلا، پروین، ستار، ۱۳۹۰، جرم بر ساخته ذهنیت گفتمان و قدرت، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی

ناهمسویی ها و کیفر افزایی ها شامل جرم-انگاری های جدید و مکرر، عدم ضابطه مندی در گزینش فتوای معیار برای قانون گذاری کیفرزدا، کیفرگرایی های الحاقی تبعی و نیز کیفرزدایی آیین نامه ای مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته و پیشنهادهایی برای اصلاح آن ها ارائه شده است. (جعفرزاده، صادقی، ۱۳۹۹)

بند سوم: خلاءهای پژوهشی

از آنجا که این تحقیقات به طور کلی به مجرمین پرداخته است و ذهنیت آنان را مورد توجه قرار داده و در نهایت به ابعاد اقتصادی و حقوقی ذهنیت محاسبه گر مجرمین میپردازد و عقلانیت کیفری آنان را مورد سنجش و ارزیابی قرار میدهد. آنچه در این بین کمتر مورد توجه قرار گرفته است، نقش مهم و موثر قوانین کیفری و جزایی و نحوه اجرای قوانین و مقررات میباشد. قوانین و اجرای آنها، یکی از مهمترین ارکان و عناصر تجزیه تحلیل ذهنیت مجرمانه محاسبه گر بوده و جزء جدایی ناپذیر عقلانیت کیفری میباشد، لذا با توجه به این خلاء تحقیقاتی، این پژوهش بدین امر مهم پرداخته است.

بند چهارم: چارچوب نظری پژوهش

از آنجا که این تحقیق به روش کیفی انجام می شود از چارچوب نظری که مبنای فرضیه های تحقیق قرار میگیرد بی نیاز است با این حال پرداختن به مباحث ذهنیت مجرمانه محاسبه گر و علانیت کیفری به همراه قوانین کیفری جزایی و نحوه اجرای قوانین و مقررات برای این پژوهش، چارچوب مفهومی فراهم می کند که راهنمای محقق در خوانش و تفسیر داده های جمع آوری شده خواهد بود.

بند پنجم: مدل مفهومی پژوهش

با توجه به اینکه مجرمین در ارتکاب جرم و انجام رفتارهایشان، همواره محاسباتی اقتصادی حقوقی دارند. آنان بر پایه قوانین کیفری و نحوه اجرای قوانین، تجربیاتی اجتماعی حقوقی می یابند که در تحلیل اقتصادی آنها برای ارتکاب جرم و انجام رفتارهای مجرمانه موثر و مهم است. آنها دارای فرمول و معادله ای بوده اند که نام آن فرمول و معادله، ذهنیت محاسبه گر مجرمانه و یا عقلانیت کیفری است. قالب کلی این فرمول محاسبه سود و زیان حاصل از اقدام مجرمانه میباشد. آنان لذت حاصل از فعالیت مجرمانه را در برابر مجازات

^۱ حبیب زاده، محمد جعفر، صادقی، ولی الله، ۱۳۹۹، ناهمسویی های قانونی با سیاست کیفرزدایی در ایران

احتمالی آینده که برایشان ناخوشایند است، قرار داده و دست به مقایسه و در نهایت انتخاب میزنند. بنابراین محتوا و ماهیت فرمول و معادله عقلانیت کیفری، توسط قوانین و مقررات و اجرای آنها میباشد. این قوانین داده هایی هستند که جدول هزینه فرصت اقتصادی مجرمان را کامل کرده و او را تا انتخاب نهایی همراهی میکنند. گاهی این همراهی به شکل مثبت بوده است و مجرم را به این نتیجه میرساند که دست از ارتکاب جرم بردارد، چرا که درد ناشی از انتخابش، بسیار بزرگتر از سود حاصله خواهد بود و گاهی این همراهی به شکل منفی بوده است و مجرم را به این نتیجه میرساند که دست به ارتکاب جرم بزند، چرا که سود ناشی از انتخابش، بسیار بزرگتر از درد حاصله خواهد بود. به عنوان مثال در مورد قتل رومینا اشرفی، پدر با توجه به مواد ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و سایر مواد قانونی که مکمل ماده فوق الذکر میباشند، در نهایت به این نتیجه میرسد که پسر متجاوز را به قتل نرساند. چرا که با این اقدام مرتکب جرم قتل عمد شده و با مجازات قصاص روبرو میگردد. و همچنین با توجه به ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به این نتیجه میرسد که دختر خود را به قتل برساند. چرا که سود حاصل از این اقدام مجرمانه که برایش به شکل اعاده حیثیت و آبرو بوده است، از درد ناشی از مجازات که نهایتاً ۱۰ سال حبس بوده است، بسیار بیشتر بوده است. اگر مجازات چنین اقدامی، قصاص بود، هرگز دست به این اقدام نمیزد، چرا که گویا این شخص در ابتدا جانش برایش مهم و ارزشمند بوده است و در درجه بعدی آبرویش برایش اهمیت داشته است. بدون شک تجربیات و دانش یک حقوق دان به شکل مشاوره به او در این تصمیم گیری کمک نموده است. در این انتخاب ساده، شاهد مفاهیمی اقتصادی، حقوقی هستیم که در انتخاب و تصمیم گیری این شخص بسیار مهم و موثر بوده اند. بدون شک وجود قوانینی دیگر، از جمله موارد مرتبط با اجرای مجازات و نظام آزادی مشروط و موارد دیگری که به نحوه اجرای مجازات مربوط بوده است، مشوق و محرک و عامل اطمینان خاطر وی برای ارتکاب بدین عمل و رفتار بوده است.

بخش چهارم: روش شناسی

بند اول: روش تحقیق

داده های این تحقیق با رویکرد توصیفی- تحلیلی و به روش کیفی و با ابزار مصاحبه جمع آوری می شوند. در این تحقیق رویکرد روایت پژوهی مورد استفاده قرار می گیرد.

روایت‌پژوهی یعنی داستان‌های زیسته و نقل شده (کراسول، ۱۳۹۴، ۷۴-۷۶). روایت‌پژوهی اشکال متعددی دارد و از شیوه‌های تحلیلی متنوعی استفاده می‌کند که ریشه در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی و انسانی دارد. واژه «روایت» را می‌توان به هرگونه متن یا گفتمانی نسبت داد یا این‌که از آن برای اشاره به حالت خاصی از پویا در پژوهش کیفی استفاده کرد که کانون تمرکز آن داستان‌های نقل شده توسط افراد است. اما در مجموع روایت، متنی گفتاری یا نوشتاری است که حاکی از یک رویداد/ اقدام یا مجموعه‌ای از رویدادها/ اقدامات است که پیوندی تقویمی با هم دارند. محققان برحسب استراتژی‌های تحلیل، نوع متفاوتی از روایت‌پژوهی را برمی‌گزینند.

از روش نمونه‌گیری هدفمند (تعمدی) استفاده شد و تلاش شده است تا حد امکان کسانی برای مصاحبه انتخاب شوند که خود دست‌اندرکار سیاستگذاری قضایی و قانونی در کشور بودند و اطلاع دست اول دارند. گردآوری داده‌های تحقیق از طریق مصاحبه مزایای بسیاری دارد و امکان می‌دهد تا فرد پاسخگو دیدگاه‌هایش را کامل‌تر و بهتر از زمانی که به سوالات پرسشنامه یا مصاحبه ساخت یافته پاسخ می‌دهد بیان کند. موزر و ناگل (۲۰۰۲) مصاحبه با متخصصان را نوعی مصاحبه نیمه ساخت یافته می‌دانند. در این جا برخلاف مصاحبه‌های زندگینامه نگارانه به مصاحبه شونده نه به عنوان یک شخص، بلکه به قابلیتش به عنوان متخصص در یک حوزه خاص توجه می‌شود. متخصصان نه به عنوان یک مورد منفرد بلکه به منزله نمایندگان یک گروه از متخصصان خاص در نمونه گنجانده می‌شوند. راهنمای مصاحبه در اینجا کاربرد رهنمودی بیشتری در خصوص حذف موضوعات بی حاصل دارد. مشکل هدایت در اینجا خود را بیشتر نشان می‌دهد، چون فردی که با او مصاحبه می‌شود بیشتر به منزله صاحب توانایی و قابلیت‌های خاصی مورد توجه است تا به منزله یک شخص. در تفسیر مصاحبه با متخصصان هدف عمدتاً تحلیل و مقایسه محتویات دانش متخصصان است. نمونه‌ها در این نوع مصاحبه بر اساس نمونه‌گیری تدریجی انتخاب می‌شوند. (فلیک، ۱۳۸۷: ص ۱۸۴-۱۸۳)

یکی از روش‌های ساده و کارآمد تحلیل کیفی، تحلیل مضمون است. در واقع، تحلیل مضمون، اولین روش تحلیل کیفی است که پژوهشگران باید یاد بگیرند. این روش، مهارت‌های اساسی مورد نیاز برای بسیاری از تحلیل‌های کیفی را فراهم می‌کند. مضمون الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و

حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (کمالی، ۹۷) پژوهشگر در تحلیل مضمون، مباحث مهم مطرح شده در متن را استخراج می‌کند. فرایند تحلیل مضمون شامل یک رفت و برگشت مستمر بین مجموعه داده‌ها و خلاصه‌های کدگذاری شده و تحلیل داده‌هایی است که به وجود می‌آیند. تحلیل مضمون فرایندی بازگشتی است که در آن حرکت به عقب و جلو در بین مراحل ذکرشده وجود دارد.

بند دوم: روایی و پایایی تحقیق

تحقیق پیش رو در نظر دارد تعریفی جامع و گسترده از ذهنیت مجرمانه محاسبه گر و عوامل دخیل در انتخاب مجرمانه بر اساس عقلانیت کیفری ارائه نماید. این تعریف میتواند بستر بسیاری از جرایم را تقلیل داده و این رویکرد نظری شناختی میتواند نیمی از مسیر عملی درمانی را پیموده و از این حیث، دارای نوآوری مخصوص به خود میباشد.

بخش پنجم: یافته‌های تحقیق

بند اول: قوانین جزایی و کیفری

قوانین نقش بسیار مهم و موثری را در انتخاب عقلانی مجرمان دارند. این قوانین هستند که میزان درد و رنج حاصل از اجرای جرم، در ذهن محاسبه گر مجرم را تشکیل میدهند. اگر این قوانین به میزان لازم درد در آینده را برای مجرم تداعی نکنند و یا اصلا تدابیر قانونی برای ایجاد درد و رنج حاصل از رفتار متجاوزانه نگردند، آنگاه تبدیل به یکی از مهمترین ارکان عقلانیت کیفری و انتخاب ذهنیت مجرمانه محاسبه گر مجرم میشوند.

بند دوم: قوانین مانع

به طور کلی قوانین مانع آن دسته از قوانینی هستند که در جرم انگاری، مجازاتی متناسب را برای رفتار ارتكابی پیش بینی نموده اند. این جرم انگاری مناسب سبب می‌گردد که بسیاری از مجرمین بالقوه با تفکر به دردهای نشای از مجازات و عقلانیت کیفری دست به این اقدامات نزنند و از ارتكاب به آن دسته از جرایم سر باز زنند. اگرچه همیشه افرادی وجود دارند که این جرم را انجام میدهند و علل مختلف برای ارتكاب جرم آنها وجود دارد ولی طیف وسیعی از افراد و مجرمین بالقوه آن را انتخاب نمیکنند، چرا که دردهای بزرگی برایشان در اثر انتخاب کردن، در انتظار است. یکی از این جرایم قتل عمد است. مجازات اعدام و قصاص، دردی بزرگ است و در ذهنیت محاسبه گر مجرمان نقش یک مانع بزرگ را

ایفا میکند. لذا تراکم نسبی جرم قتل به میزان زیادی کاهش می یابد و هر کسی که به قتل فکر میکند، لزوماً آن را انجام ندهد و ارتکاب آن را انتخاب نمیکند.

بند سوم: قوانین مداخله گر

عدم وجود قانون و جرم انگاری در موارد خاص استثنایی و یا وجود قوانینی که زمینه و بستر مناسبی میباشند که اقدامات مجرمانه ای صورت پذیرد و یا قوانینی که جنبه بازدارندگی ندارند، جزء دسته قوانینی هستند که در ذهنیت مجرمانه محاسبه گر، نقش مداخله گر داشته و در عقلانیت کیفری، نقش زمینه و بستری مناسب برای ارتکاب افراد به جرم میگردند. این دسته از قوانین، نیاز به اصلاح دارند تا بتوانند با اصلاح مجازات های متناسب، نقش مانع در عملکرد مجرمان داشته باشند. به عنوان مثال مجرمینی در زمینه اپلیکیشن ها و نرم افزارهای کاربردی دست به اقدامات مجرمانه زده و کلاهبرداری های کوچکی انجام میدهند. آنها در محاسبات خویش، به قربانی و تفکرات او میپردازند. به عنوان مثال تصمیم میگیرند که از هر شخصی ۱۰۰ هزار تومان کلاهبرداری کنند. مسلماً مال باخته ای که ۱۰۰ هزار تومان از دست داده است بعد از اینکه قربانی میشود و مال از دست میدهد، تجزیه تحلیل اقتصادی میکند برای اقدام قضایی متناسب و عملکرد و عکس العمل نشان دادن. تا قبل از سال ۹۹ و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، کلاهبرداری جرمی بوده است که جنبه عمومی جرم باعث ورود دادستان برای شروع تعقیب بوده است ولی با توجه به این قانون و در زمره جرایم قابل عفو درآمدن، این جرم جنبه عمومی خویش را از دست داد و این جرایم تنها با شکایت شاکی خصوصی مورد پیگرد و تعقیب قرار میگیرند. با توجه به اینکه قربانیان و طعمه های این مجرمین، هزینه فرصت انجام میدهند، تعداد بسیاری از شکایت صرف نظر میکنند و این مجرمین با خیال راحت تر میتوانند دست به ارتکاب آزادانه جرم بزنند، بدون اینکه نگران تعقیب قضایی از ناحیه دادستان باشند.

بخش ششم: نحوه اجرای قوانین جزایی و کیفری

اجرای قوانین جزایی و کیفری از دیگر مواردی است که در ذهنیت محاسبه گرم مجرمانه و عقلانیت کیفری او نقش به سزایی دارد. اجرای مجازات یکی از مهمترین اصولی است که مورد توجه اندیشمندان مکاتب مختلف کیفری در طول تاریخ تحولات حقوق کیفری بوده است. نحوه اجرای مجازات ها، ثابت نبودن مجازات ها و متغیر بودن آنها و نسبی بودن آنها

نسبه به اشخاص از جمله عواملی است که در محاسبه ذهنیت مجرمانه نقشی منفی را ایفا میکند. اکنون به سه محور از اساسی ترین محورهای اجرای مجازاتها پرداخته میگردد که در عقلانیت کیفری بسیار مهم و موثر میباشند.

بند اول: سرعت اجرای مجازات

وجود تشریفات پیچیده آیین دادرسی کیفری و اطاله زمان در دادرسی یک پرونده و گذر از مراحل طولانی و طاقت فرسای دادرسی کیفری از جمله مواردی است که در زمینه افزایش آمار جرم بسیار تاثیر گذار بوده است و نقش رکن اساسی در ذهنیت محاسبه گر مجرمانه را دارد. به عنوان مثال مجرمینی در زمینه اپلیکیشن ها و نرم افزارهای کاربردی دست به اقدامات مجرمانه زده و کلاهبرداری های کوچکی انجام میدهند. آنها در محاسبات خویش، به قربانی و تفکرات او میپردازند. به عنوان مثال تصمیم میگیرند که از هر شخصی ۱۰۰ هزار تومان کلاهبرداری کنند. مسلما مال باخته ای که ۱۰۰ هزار تومان از دست داده است بعد از اینکه قربانی میشود و مال از دست میدهد، تجزیه تحلیل اقتصادی میکند برای اقدام قضایی متناسب و عملکرد و عکس العمل نشان دادن. ولی اولین گزینه ای که او مد نظر قرار میدهد، طولانی بودن دادرسی است. او با خود میگوید حتی اگر موفق به تعقیب و دستگیری متهم گردم، و حتی اگر قرار باشد به نتیجه نیز برسم، علاوه بر هزینه هایی که انجام داده ام، زمان زیادی را بایستی صرف کنم تا به نتیجه برسم. یک پرونده کیفری، مراحل قضایی طولانی را طی میکند. از شروع به تعقیب متهم، مراحل مختلف برای دستگیری وی، بعد جمع آوری ادله اثبات و مراحل کارشناسی، گذراندن مراحل بازجویی و بازپرسی مقامات قضایی، سپس صدور کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه، بعد جلسات دادگاه و رسیدگی و انواع اعتراضات و کارشناسیهای مختلف، بعد صدور به حکم، اعتراض به آرا و تجدید نظر، در مواردی ارجاع پرونده به دیوان عالی و حتی گاهی رسیدگی مجدد، بعد از این مراحل قطعیت حکم و سرانجام اجرای احکام صادره قطعی شده. مراحل فوق الذکر در مورد یک پرونده گاهی سالها به طول می انجامد. طولانی شدن این رسیدگی از جمله مواردی است که به کمک مجرمین آمده و نقش موثر و حمایتی در تصمیمی گیری عقلانی آنها ایفا مینماید.

بند دوم: قطعیت و حتمیت اجرای مجازات

قطعیت کیفرها که از راهبردهای پیشگیری کیفری از جرم هستند، ذهن اندیشمندان و قانونگذاران بسیاری را تحت تأثیر خود قرار داده است. این تأثیرگذاری در این جهت بوده که هرچه بر قطعیت اجرای آن از طریق حذف یا به حداقل رساندن موانع اجرای کیفرها بیافزاییم، از شمار جرائم کاسته ایم. در مورد اصل تأثیرگذاری دو عنصر شدت و قطعیت در مجازاتها در بازداری از جرم، اختلاف است. به طوری که در برهه ای شدت کیفرها در جایگاه والاتری قرار گرفته است و در برهه ای دیگر این قطعیت است که توجه بیشتری را معطوف خود ساخته است. عده ای نیز جایگاه این دو عنصر را برابر دانسته و حکم به تأثیر یکسان آن ها در بازداشتن و پیشگیری از جرم داده اند و سرانجام این که برخی دیگر، بررسی کلی این موضوع را بدون تمایزگذاری بین جرائم مختلف و مجرمان متفاوت، نادرست دانسته و نسبت اثرگذاری این دو عنصر را در موارد گوناگون متفاوت یافته اند. اندیشه مقابله با جرم هم متضمن توجیه چرایی و ضرورت اصل این کار بوده و هم توجیه مجازات و کارکردهایش در توجیه مجازات، نظریه ی « بازدارندگی مجازات » یکی از کهن ترین آنهاست. بنابراین نتیجه می گیریم که قطعیت مجازات کاری به زمان ندارد و بهترین نوع مجازات ها مجازاتی است که از حتمیت و قطعیت برخوردار است زیرا اختیار قاضی در کم یا زیاد کردن آن کم است. میزان قطعیت و حتمیت مجازات ها از جمله عواملی است که در معادلات عقلانیت کیفری مجرمان نقش موثری دارد. (جانی پور، محمدی، ۱۳۹۴)

بند سوم: شدت اجرای مجازات

شدت کیفرها که از راهبردهای پیشگیری کیفری از جرم هستند، ذهن اندیشمندان و قانونگذاران بسیاری را تحت تأثیر خود قرار داده است. این تأثیرگذاری در این جهت بوده که هرچه بر شدت کیفر از طریق بالا بردن میزان درد و رنج حاصل از اجرای آن، از شمار جرائم کاسته ایم. اندیشه مقابله با جرم هم متضمن توجیه چرایی و ضرورت اصل این کار بوده و هم توجیه مجازات و کارکردهایش در توجیه مجازات، نظریه ی « بازدارندگی مجازات » یکی از کهن ترین آنهاست. بنابراین نتیجه می گیریم که شدت اجرای مجازات کاری به زمان ندارد و بهترین نوع مجازات ها مجازاتی است که از شدت لازم برخوردار است.

^۱ جانی پور، کرم، محمدی، مرضیه، ۱۳۹۴، قطعیت اجرای کیفر در حقوق ایران.

هر چه مجازات شدید تر باشد، در نظریه ذهنیت محاسبه گر مجرمانه بنتام، میزان ارتکاب به جرایم به شکل چشم گیری کاهش می یابد. (جانی پور، محمدی، ۱۳۹۴)

بخش هفتم: نوع جرم و بزهکاران

بند اول: نوع جرم

ارزیابی نظریه گزینش حسابگرانه بر اساس نوع جرم، باوجود نظریه عام گزینش حسابگرانه در افکار بنتام به نظر می رسد توجه به برخی جرائم از قلمرو عام این نظریه می کاهد. بنابراین در این مبحث، برخی از جرائمی را که نظریه گزینش حسابگرانه در مورد آنها صادق نیست، مورد بررسی قرار می دهیم.

بند دوم: تجاوز جنسی

تجاوز جنسی به مفهوم انجام نزدیکی با فردی بدون رضایت وی است. تجاوز جنسی نه فقط حمله فیزیکی است، بلکه تعرض به کرامت انسانی نیز به شمار می رود. از نظر فقهی هرگونه آمیزش جنسی خارج از روابط زناشویی هرچند با رضایت طرفین ممنوع و در زمره جرائم مستوجب حد قرار دارد. هرگاه یکی از طرفین راضی به این امر نبوده و دیگری وی را وادار به ارتکاب این عمل نماید، این ویژگی برای شخص مکروه، از کیفیات مشده محسوب می شود. (فرجی ها، ۱۳۸۸: ۳۴) اما از نظرگاه روان شناسان، تجاوز جنسی تجاوزی است که هدف آن صرفاً آمیزش جنسی نیست و معمولاً با قدرت جسمی یا زور صورت می گیرد و بیشتر در اثر میل به سلطه جویی یا تحقیر فرد مورد تجاوز رخ می دهد. گرچه زنان از جمله قربانیان اصلی تجاوزات جنسی اند، اما دامنه بزه دیدگان این جرائم محدود به زنان نیست بلکه هر دختر و پسر می تواند، آماج تجاوز جنسی قرار گیرند. در کنار زنان به عنوان قربانیان اصلی تجاوز جنسی، پسران نوجوان و دختران جوان نیز در معرض خطر بزه دیدگی این جرم قرار دارند. حال با تبیین اجمالی جرم تجاوز جنسی، بسترهای ظهور این جرم را بر اساس تبیین های جرم شناختی مورد بررسی قرار داده و برآمد حاصل از این بحث را بر اساس نظریه گزینش حسابگرانه مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. (جانی پور، محمدی، ۱۳۹۴)

بند سوم: جرایم خشونت بار

^۱ جانی پور، کریم، محمدی، مرضیه، ۱۳۹۴، قطعیت اجرای کیفر در حقوق ایران.

با حضور بشر در جامعه، خشونت پا به عرصه وجود نهاد و در طول تاریخ حیات بشر، خشونت وسیله ادامه حیات و بقای گروه‌های مختلف اجتماعی و برتری آن‌ها بر یکدیگر بوده است. (پرفیت، ۱۳۷۸: ۲۶) اما پس از گذر از دوران ابتدایی بشر به نظر می‌رسد، از شدت و گستره خشونت کاسته شده است اما این تفکر مانع از آن نیست که منکر خشونت موجود در جوامع شویم. از نظر فلسفی خشونت معنای گسترده‌ای دارد. از جمله، خشونت آن است که ضد مجرا و سیر طبیعی باشد. (سروش، ۱۳۷۸: ۲۰)

یکی از کارشناسان علوم جنایی نیز خشونت را استفاده نامشروع و غیرقانونی از زور و قدرت دانسته است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۸) با وجود مفهوم گنگ و وسیع خشونت، جرائم خشونت‌بار در قلمرو حقوق کیفری، جرائمی چون قتل، ضرب و جرح، نزاع‌های دسته‌جمعی و ایجاد حریق و امثالهم را دربر می‌گیرد. حال بسترهای ظهور جرائم خشونت‌بار را در پرتو تبیین‌های جرم‌شناختی مورد تحلیل قرار داده و برآمد حاصل از این بحث را بر اساس نظریه گزینش حسابگرانه مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. (جانی پور، محمدی، ۱۳۹۴)

بند چهارم: جرایم مبتنی بر نفرت

جرائم مبتنی بر نفرت جرائم ناشی از تعصب با قصد مجروح ساختن یا تهدید دیگران به دلیل نژاد، ملیت، قومیت خاص و یا ناتوانی افراد است. جرائم مبتنی بر نفرت، عموماً به شکل اسلحه‌کشی، ایجاد حریق و خشونت جسمی خود را نشان می‌دهد. (گرت و جینز، ۱۹۹۸، ۲۸۸) بنابراین جرائم مبتنی بر نفرت، ارتکاب رفتارهای خشونت‌بار علیه افراد گروه‌های خاص اجتماعی است. از این‌رو این جرائم، ممکن است، بزه دیده فردی نداشته باشد و کل یک گروه اجتماعی را بزه دیده خود نماید. جرائم مبتنی بر نفرت، پیامدهای ناگوار احساسی و روان‌شناختی برای افراد گروه‌های خاص اجتماعی به وجود می‌آورد. این جرائم، از یک‌طرف موجب تقویت حس آسیب‌پذیری، اضطراب و شکل‌گیری فرهنگ ترس می‌شود و از طرف دیگر موجب گسست وحدت اجتماعی می‌گردد. یکی دیگر از پیامدهای ناگوار این جرائم، نفی گفتمان اصل برابری شهروندان است. از این‌رو به نظر می‌رسد

^۱Alan Prfyt

^۲Fear culture.

بزهکاران این جرائم، شهروندان درجه اول^۱ و بزه دیدگان آن شهروندان درجه دوم^۲ باشند. یکی از مصادیق بارز جرائم مبتنی بر نفرت، پرونده سعید حنایی آذر مشهد است. وی در فاصله مردادماه سال ۸۰ تا ۸۱، ۱۶ زن خیابانی را در مشهد به قتل رساند. سعید حنایی فردی بود که در جبهه‌های حق علیه باطل حضور داشته و در خانواده‌ای مذهبی رشد کرده بود. وی در دادگاه و نیز مستند «و عنکبوت آمد» بارها اعلام نمود که علت قتل زنان خیابانی، نفرت وی نسبت به این زنان بوده است. در مطالعات میدانی انجام شده، نیز به یک مورد جرم مبتنی بر نفرت دست یافتیم. در این مصاحبه فرد مصاحبه شونده که تابعیت ایرانی دارد، در مورد جرم خود چنین می‌گوید: «من از افغانی‌ها متنفر بودم و همیشه به این فکر می‌کردم که یه روزی انتقاممو از افغانی‌ها بگیرم. یه روز یه افغانی بهم یه حرفی زد که لحنش مؤدبانه نبود. منم از فرصت استفاده کردم و اونو به شدت زدم (مورد ضرب و شتم قراردادم). من اصلاً به این فکر نمی‌کردم که دستگیر یا محاکمه بشم، فقط به فکر انتقام‌گیری بودم.» بررسی پرونده سعید حنایی و مطالعه میدانی انجام شده در این حوزه، نشان می‌دهد که بزهکاران جرائم مبتنی بر نفرت، بدون توجه به تحلیل‌های هزینه-فایده مرتکب جرم می‌گردند. بنابراین نظریه گزینش حسابگرانه در مورد جرائم مبتنی بر نفرت صادق نبوده و از این رو دسته دیگری از جرائم نیز از قلمرو عام نظریه گزینش حسابگرانه، خارج می‌گردد.

بخش هشتم: نوع بزهکاران

با وجود قلمرو عام نظریه گزینش حسابگرانه در افکار بنّام، به نظر می‌رسد توجه به برخی از بزهکاران، از گستره این نظریه می‌کاهد. بنابراین در این مبحث، برخی از مجرمینی را که این نظریه در مورد آنها صادق نیست مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بند اول: بزهکاران یقه آبی

بزهکاران یقه آبی^۳؛ پیشگام نظریه بزهکاران یقه سفید^۱ و یقه آبی ادوین ساتر لند^۲ با انتشار کتاب جرائم یقه سفید است، اما از آنجاکه وی بزهکاران یقه آبی را در مقابل بزهکاران

^۱First class citizens.

^۲Second class citizens.

^۳ که در نشریات ملی و بومی به قاتل عنکبوتی مشهور گشت.

^۴Blue-collar criminals.

یقه‌سفید، قرار می‌دهد، می‌توان با توجه به ویژگی‌های بزهکاران یقه‌سفید، بزهکاران یقه آبی را نیز مورد شناسایی قرار داد. جرائم یقه‌سفیدان، بزه‌هایی هستند که به واسطه شخص قابل احترام و دارای پایگاه اجتماعی بالا در گفتمان شغلی (سازمانی) ارتکاب می‌یابند. (شوور، ۱۹۹۸: ۱۳۴) گذر فرهنگ حقوقی بلک نیز در تعریف جرائم یقه‌سفیدان آمده است: این اصطلاح عموماً بیانگر قانون‌شکنی‌هایی است که به اعتبار سوء استفاده از اعتماد و حرفه شخص بزهکار انجام می‌شود. این جرائم عموماً فاقد وصف خشونت‌بار هستند. (بلک، ۱۹۹۰: ۸۴۴) دیوید ملکن نیز این جرائم را از آن جهت که فاقد خشونت هستند، جرائم فسفری نامیده است. (ملکن، ۲۰۰۲) بنابراین بزهکاران یقه‌سفید، دارای پایگاه اجتماعی بالا و شخصیت قابل احترام می‌باشند. در مقابل بزهکاران یقه‌سفید، بزهکاران یقه آبی قرار می‌گیرند. این گروه، مجرمینی هستند که عموم جرائم آنان، جرائم خیابانی است. وجه مشخص جرائم یقه آبی‌ها، هیجان محوری بزه‌های ارتکابی توسط آنان است. غالب جرائم یقه آبی‌ها، جرائم خشونت‌بار است. از این رو می‌توان، این جرائم را جرائم کلسیمی نامید. بنابراین بزهکاران یقه‌سفید و یقه آبی، دارای ویژگی‌های خاصی هستند که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم و بر همین اساس، نظریه گزینش حسابگرانه را در مورد این دو گروه مورد تحلیل قرار می‌دهیم. (جانی پور، محمدی، ۱۳۹۴)

۱. ضریب هوشی

با توجه به شاخص‌های بزهکاران یقه‌سفید و یقه آبی، به نظر می‌رسد ضریب هوشی بزهکاران یقه‌سفید بسیار بالا و در مقابل ضریب هوشی بزهکاران یقه آبی پایین باشد. بر این اساس بزهکاران یقه‌سفید، با توجه به رویکردهای هزینه-فایده، به ارتکاب رفتارهای مجرمانه اقدام می‌نمایند و در مقابل بزهکاران یقه آبی با ضریب هوشی پایین، به پیامدهای حاصل از ارتکاب جرم، توجه چندانی ندارند. (جانی پور، محمدی، ۱۳۹۴)

^۱White-collar criminals.

^۲Edwin Sutherland.

^۳Shover

^۴Black

^۵David Melken

^۶Street crimes.

۲. رؤیت پذیری جرم

با توجه به این امر که بزهکاران یقه آبی در ارتکاب جرم به خشونت متوسل می‌شوند و در مقابل بزهکاران یقه سفید، در ارتکاب جرم از نیروی جسمانی کمک نمی‌گیرند، می‌توان بیان داشت جرائم یقه آبی‌ها از رؤیت پذیری بالایی برخوردار است. در مقابل بزهکاران یقه سفید با استفاده از سازوکارهای غیرملموس، در پی رؤیت ناپذیری جرائم خود برمی‌آیند. همان‌طور که پیداست، رؤیت پذیری جرائم (وجه بارز جرائم یقه آبی‌ها) احتمال کشف، تعقیب و محکومیت متهمان را به همراه خواهد داشت؛ حال آنکه بزهکاران یقه سفید با توجه به تحلیل‌های هزینه- فایده و اتخاذ راهبرد حداقل رؤیت پذیری جرم، احتمال کشف جرم، تعقیب و محکومیت خود را به حداقل ممکن تقلیل می‌دهند. (جانی پور، محمدی، ۱۳۹۴)

۳. تفکر و هیجان؛ دو گفتمان متقابل

بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، بزهکاران یقه سفید با استفاده از گفتمان تفکر به پدیده‌های مجرمانه روی می‌آورند. در مقابل وجه بارز بزهکاران یقه آبی، هیجان محوری جرائم آنان است. غلبه هیجان بر بزهکاران یقه آبی موجب می‌گردد تا پیامدهای ارتکاب جرم را فراموش کرده و در پی تخلیه هیجان خویش برآیند. سلطه هیجان بر بزهکاران یقه آبی موجب می‌گردد تا جرائم ارتكابی آنان در هر بستری ولو در حضور مأموران انتظامی نیز صورت پذیرد. اما بزهکاران یقه سفید با گفتمان تفکر محور و بررسی پیامدها و منافع حاصل از ارتکاب جرم، رفتارهای مجرمانه خویش را سامان می‌دهند. (جانی پور، محمدی، ۱۳۹۴)

۴. اصل مشاوره در ارتکاب جرم

بر اساس این شاخص، برخی از بزهکاران پیش از ارتکاب جرم، با متخصصان این حوزه به مشورت می‌پردازند. اصل مشاوره در ارتکاب جرم از فروعات گفتمان تفکر محور در ارتکاب جرم است. با توجه به این اصل، بزهکاران یقه سفید پیش از ارتکاب جرم با هم نوعان خویش به مشورت پرداخته و پس از تحلیل‌های مختلف جرم، به سوی پدیده‌های مجرمانه حرکت می‌نمایند. چنانچه نتایج حاصل از مشاوره‌ها، پیامدهای حاصل از جرم را بیش از منافع آن تشخیص دهند، بزهکاران از ورود به دنیای مجرمیت انصراف می‌دهند. گاه بزهکاران یقه سفید با استفاده از اصل مشاوره، کارشناسان حقوقی را به استخدام خود درمی‌آورند. در

این بستر متخصصان حقوقی معتقد به گفتمان ابزارگرایی حقوقی، چالش‌ها و منافع حاصل از ارتکاب جرم را برای بزهکاران مورد تحلیل قرار می‌دهند. در نقطه مقابل بزهکاران یقه آبی بدون توجه به اصل مشاوره، به‌طور خودسرانه و بدون توجه به ارزیابی‌های هزینه-فایده، رفتارهای مجرمانه خویش را بروز می‌دهند. بر اساس مطالعات میدانی صورت گرفته، بزهکاران یقه آبی مصاحبه‌شونده اذعان داشتند که هرگز به پیامدهای عمل خویش توجهی نمی‌کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان داشت: «عصبی که بشم، خون جلو چشم می‌گیره، هیچی نمی‌تونه جلومو بگیره حتی پلیس.» یکی از نکاتی که اکثر بزهکاران یقه آبی بدان اشاره کردند، عصبانیت و هیجان ناشی از فحش‌های ناموسی بود. اکثر این افراد بر این اعتقاد بودند که با شنیدن فحش‌های ناموسی، هیجان بر آن‌ها غالب آمده و هیچ نیرویی قادر به کنترل آن‌ها نیست. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه می‌گوید: «وقتی کسی به ما فحش ناموسی می‌ده، ما دیگه به هیچی فکر نمی‌کنیم، حتی حاضریم طرفو بکشیم و به عواقب کارمون اصلاً فکر نمی‌کنیم.» با تحلیل ویژگی‌های بزهکاران یقه آبی و یقه سفید و نتایج حاصل از مطالعات میدانی، می‌توان بیان داشت، تنها بزهکاران یقه‌سفید با اعمال نظریه گزینش حسابگرانه، به‌سوی پدیده‌های مجرمانه حرکت خواهند کرد. در مقابل بزهکاران یقه آبی بدون توجه به تحلیل‌های هزینه-فایده، مرتکب جرم می‌گردند. از این‌رو ارزیابی نظریه گزینش حسابگرانه در این بستر، نشان می‌دهد که این نظریه صرفاً در مورد بزهکاران یقه‌سفید مصداق پیدا می‌کند و مثال نقض موجود (بزهکاران یقه آبی) قلمرو عام آن را کاهش می‌دهد. (جانی پور، محمدی، ۱۳۹۴)

بند دوم: بزهکاران مجنون و طفل

بزهکاران مجنون و اطفال نیز به دلیل فقدان برخورداری از نیروی دماغی کامل، قادر به اتخاذ انتخاب عقلانی نیستند. از آنجاکه قلب نظریه گزینش حسابگرانه بر قوه‌ی تعقل استوار گردیده است، می‌توان بیان داشت این ۲ دسته از بزهکاران خارج از قلمرو نظریه گزینش حسابگرانه قرار می‌گیرند. از طرف دیگر بر اساس اصول کلی حقوق جزا، جنون و کودکی از موانع مسئولیت کیفری به شمار می‌آید. مسئولیت کیفری التزام به تقبل آثار و عواقب افعال مجرمانه یا تحمل مجازاتی است که سزای افعال سرزنش‌آمیز بزهکار به شمار می‌آید؛ لکن

^۱Legal instrumentalism.

به‌صرف ارتکاب جرم نمی‌توان بار مسئولیت را یک‌باره بر دوش مقصر گذاشت، بلکه پیش از آن باید بتوان او را سزاوار تحمل این بار سنگین دانست و تقصیری را که مرتکب شده به حساب او گذاشت و سپس او را مؤاخذه کرد. در علم حقوق توانایی پذیرفتن بار تقصیر را قابلیت انتساب می‌نامند و آن را به برخورداری فاعل از قدرت ادراک تعریف کرده‌اند. بنابراین اگر مجرم مُدَرِّک نباشد، مسئول اعمال خود نیست. زیرا خطاب یا امر و نهی قانون‌گذار متوجه کسانی است که دستورهای او را می‌فهمند و قدرت بر اجابت آن دارند. به همین دلیل مجنون و یا نابالغ چون نیک و بد افعال خود را درک نمی‌کنند و یا تمیز این دو برایشان دشوار است، مسئولیت کیفری نیز نخواهند داشت. (اردبیلی، ۸۵: ۷۴) برای آنکه مسئولیت کیفری به معنای اخص کلمه وجود داشته باشد، باید مجرم مرتکب تقصیری شده باشد (مجرمیت) و این تقصیر قابل استناد به او باشد (قابلیت استناد). (استفانی، ۱۳۴۰، ۴۸۴) از این رو موانع مسئولیت کیفری شرایط و خصوصیات در فاعل جرم است که مانع از قابلیت استناد رفتار مجرمانه به وی شده و منجر به عدم مسئولیت و در نتیجه انتفای مجازات او می‌گردد. از طرف دیگر به کیفر رساندن مجانین و اطفال که فاقد نیروی ادراک قوی می‌باشند، باعث گسترش بی‌عدالتی و برانگیختن احساس ترحم افراد می‌گردد. از این رو از حیث فلسفه کیفر نیز، مجازات این بزه‌کاران غیرقابل توجیه به نظر می‌رسد و اهداف سزا دهی، بازدارندگی، اصلاح و بازپذیری مجرمین در مورد آن‌ها صدق نمی‌کند. بر این اساس و در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی آمده است: اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند... نیز ماده ۵۱ این قانون، در باب چهارم - حدود مسئولیت جزایی، اشعار می‌دارد: جنون در حال ارتکاب جرم، به هر درجه که باشد، رافع مسئولیت کیفری است. بنابراین مسئول نشناختن اطفال و مجانین در نظام حقوقی تمامی کشورها به دلیل فقدان قوه تعقل، موجب می‌گردد تا نظریه گزینش حسابگرانه در مورد آن‌ها صادق نباشد و بدین ترتیب از گستره عام این نظریه کاسته می‌شود. (جانی پور، محمدی، ۱۳۹۴)

نتیجه گیری و پیشنهادات نویسنده

الف) نتیجه گیری

به طور کلی بر اساس این پژوهش نتیجه میگیریم که شخصیت هر مجرم در چگونگی ذهنیت محاسبه گر مجرمانه و همچنین نوع جرم بر این معادله و عقلانیت کیفری کاملاً موثر میباشد و هر مجرم برای ارتکاب جرم، عواید ناشی از جرم را به همراه مجازاتها و دردهای در آینده مورد محاسبه عقلانی قرار داده و در نهایت تصمیم گیری میکند که جرم مورد نظر را انجام بدهد یا از آن منصرف گردد. بستری که ذهنیت مجرمانه در آن به محاسبه درد و لذت ناشی از جرم میپردازد، قوانین کیفری کشور میباشد. بنا بر این نظریه، قوانین و مجازاتهای قانونی، نیمه دیگر این محاسبه گری و عقلانیت کیفری بوده و در به وجود آمدن و همچنین ممانعت از جرایم نقش به سزایی دارند. تدوین قوانین کیفری مناسب میتواند زمینه ارتکاب بسیاری از جرایم را از بین برده و یا فراهم نماید. قوانین و نحوه اجرای قوانین و مقررات به مثابه زمینه و بستری میباشد که مجرمین در محاسبات ذهنی و اقتصادی خود همواره بدانها توجه کرده و در تصمیم گیری و انتخاب عقلانی خویش، از آنها بهره میجویند و اعمال خویش را بر اساس محاسبات ذهنی که به صورت اقتصادی و حقوقی بوده است، بروز داده و دست به اقدامات میزنند.

ب) پیشنهادات

مطابق با این پژوهش پیشنهاد میگردد که در مقام تقنین و قانون گذاری، به گونه ای عمل گردد که زمینه به وجود آمدن مجرمین کاهش یافته و نزدیک به صفر گردد. به گونه ای قانونگذاری به عمل آید که مجرمین با عقلانیت کیفری نتوانند جرمی را انجام دهند و در ذهنیت خود برای ارتکاب یک جرم با چالشهای بزرگ و اساسی مواجه باشند. سپس پیشنهاد میگردد که با ورود تکنولوژی به حوزه های جرم شناسی و ابعاد پیشگیری از جرم، زمینه رشد و نمو مجرمین به حداقل ممکن برسد.

منابع و مأخذ

- ۱- مصطفی زاده، فهیم، ۱۳۹۵، تاریخ تحولات حقوق کیفری، ص ۲۳
- ۲- ملک محمدی، حمید رضا، نظریه های جرم شناسی فرانک پی ویلیامز، ۱۳۹۸
- ۳- الهام، غلامحسین، دانش ناری، حمید رضا، ۱۳۹۳، تاملی بر نظریه گزینش حسابگرانه بنیانها و قلمرو، دوفصلنامه علمی تخصصی تحول در علوم انسانی
- ۴- الله وردی، فرهاد، محرابی، علی، ۱۳۹۸، عقلانیت جنایی؛ محدودیت‌ها و چالش‌ها (با تأکید بر جرائم خشونت‌بار)
- ۵- صادقی فسایی، سهیلا، پروین، ستار، ۱۳۹۰، جرم بر ساخته ذهنیت گفتمان و قدرت، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی
- ۶- حبیب زاده، محمد جعفر، صادقی، ولی الله، ۱۳۹۹، ناهمسویی های قانونی با سیاست کیفرزدایی در ایران
- ۷- جانی پور، کرم، محمدی، مرضیه، ۱۳۹۴، قطعیت اجرای کیفر در حقوق ایران.
- ۸- یاری حاج عطالو، رحیم؛ ۱۳۹۲، سیاست‌های جنایی ایرار در برابر جرایم یقه سفیدی با تأکید بر پیشگیری کیفری، فصلنامه علمی مطالعات بین المللی پلیس، مقاله ۱، دوره ۴، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۱ تا ۳۴.
- ۹- حبیب زاده مومن، بهنام؛ وروایی، اکبر؛ ۱۳۹۶؛ واکاوی سیاست جنایی ایران در قبال جرایم یقه سفید، فصلنامه علوم اجتماعی شوستر، سال یازدهم، زمستان ۱۳۹۶.
- ۱۰- موسوی مجاب، سید درید، ۱۳۸۳، بزهکاران یقه سفید، فلصنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۳، شماره ۸، پاییز ۱۳۸۳.
- ۱۱- نصیری، مصطفی؛ ۱۳۹۳، ساز و کار کنترل جرایم یقه سفید با تکیه بر الگوهای کیفری و غیر کیفری، فصلنامه علمی پژوهشی کارآگاه، دوره ۷، پاییز ۱۳۹۳.
- ۱۲- صادقی، احمد رضا، مقاله: سیاست جنایی مشترک منطقه‌ای عاملی موثر در پیش‌گیری از جرایم و مواد مخدر، ماهنامه عدالت، شماره ۸۶، سال دوازدهم، ۱۳۸۹.
- ۱۳- مداح، افشین؛ ۱۳۹۸، مکانیسم مبارزه با مفاسد اقتصادی شبکه ای در اقتصاد ایران، انتشارات برتراندیشان.
- ۱۴- مداح، افشین، ۱۳۹۹، الف میم و ۱۰۱ دزد حرفه ای، انتشارات جهش یادگیری.